



زندانی ویژه

گسترش نفوذ سیاسی - اقتصادی غرب در ایران عصر قاجار سبب شد خاندان‌های مختلفی برای کسب منافع و تحکیم جایگاه خود، به یکی از دولت‌های خارجی متغذ در ایران وابسته شوند و منافع آنها را تأمین کنند. خاندان آنگلوفیل رشیدیان در زمره این خاندان‌ها قرار می‌گیرد. روایات متعددی از پیشینه حبیب‌الله رشیدیان موجود است که وی را خدمه یا درشکه‌چی سفارت انگلیس معرفی کرده‌اند. اما او یک مستخدم ساده تلقی نمی‌شد؛ مقامات سیاسی و اطلاعاتی سفارت انگلیس به این مستخدم ایرانی اعتماد داشتند و برای عملیات جاسوسی و ارتباط با عوامل بومی خود از او بهره می‌جستند. در نتیجه این موقعیت بود که حبیب‌الله رشیدیان پس از آشنایی با سید ضیاء‌الدین طباطبایی، این چهره جوان مطبوعاتی جاه‌طلب و سوداگر، را به مقامات سفارت انگلیس معرفی کرد و این حادثه، بعدها پس از کودتای سیدضیاء - رضاخان، اهمیت تاریخی یافت.

طراح و فرمانده انگلیسی کودتای ۱۳۳۲

جرج کندی یانگ (۱۹۱۱-۱۹۹۰) از چهره‌های سرشناس سیاسی و اطلاعاتی تاریخ معاصر بریتانیا است که به دلیل جایگاه برجسته‌اش در حوادث معروف به «توطئه دولت ویلسون» و نقش او در ایجاد شبکه‌های سری پیمان ناتو در دوران جنگ سرد، بویژه شبکه گلا دیور در ایتالیا، مورد توجه جدی پژوهشگران بریتانیا و سایر کشورهای غربی است. مورخین اطلاعاتی از یانگ به عنوان طراح عملیات کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نام می‌برند زیرا او در سال ۱۳۳۲ قائم مقام اینتلینجس سرویس بریتانیا (ام. آی. ۶) بود و در این سمت طراحی و فرماندهی «عملیات چکمه» را به دست داشت. یانگ در سال‌های پسین با محمد رضا پهلوی و سرشاپور ریپورتر رابطه نزدیک داشت و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم درخبردهای نظامی ایران از انگلیس و هم در فعالیت‌های به غایت مخفی شبکه‌های اطلاعاتی بریتانیا و پیمان ناتو در ایران مؤثر بود.



کارپرداز عمارت قلهک

توسعه اقامتگاه تابستانی انگلیسی‌ها در تهران که امروز بیشتر به باغ قلهک شناخته شده است؛ تا حدی مرهون فردی است به نام هانری ناوارا. او که هنگام مأموریت پدرش، در تهران به دنیا آمد؛ بجز توسعه باغ قلهک مأموریت‌های جاسوسی بسیار در تهران داشته است اما تصویری از وی در دست نیست. مجله خواندنی‌ها در آذر ۱۳۳۱، هنگام مواجهه نهضت ملی شدن صنعت نفت با انگلیس خبر از دستگیری وی به جرم جاسوسی برای انگلستان داد و در متن خبر نوشت: یکی از دوستان ناوارا می‌گفت: مشارالیه چندی قبل چگونگی توقیف آیت‌الله کاشانی را که در زمان اقامت قشون متفقین در ایران به دست او صورت گرفته است برای ما شرح داد و گفت: «من هجده ساعت در امام‌زاده قاسم بالای یک درخت بلند مخفی شدم تا با دوربین بتوانم درون چند باغچه و خانه را که می‌گفتند آیت‌الله کاشانی در آنجا به سر می‌برند ببینم و هر موقع که ایشان در صحن حیاط یا باغچه دیده شدند با علامت به مأموران دستور بدهم تا اقدام به توقیف ایشان بکنند. هجده ساعت در انتظار بودم تا اینکه صبح زود آیت‌الله کاشانی در یکی از خانه‌ها برای گرفتن وضو به حیاط آمدند و در همان موقع با اشاره من مأموران که در پشت دیوار مخفی شده بودند به درون رفته و ایشان را توقیف نمودند.» خواندنی‌ها نوشته است بسیاری از مبارزین که مفقود شدند، زیر نظر این مأمور ارشد اطلاعاتی انگلستان بوده است. سروان هانری ناوارا، برغم شدت مناقشات ایران و انگلیس، جان سالم به در برد و باقی‌مانده عمرش را در کشور خود گذراند.



اردشیر ریپورتر در کنار میرزا نصرالله بهشتی مشهور به ملک المتکلمین (چپ)

اردشیر جی ریپورتر از سوی پارسیان هند برای سرپرستی زرتشتیان ایران به این کشورمان آمد، ولی در واقع مأمور انگلستان بود و دوستی عمیقی نیز با ملک المتکلمین داشت. وی کسی است که رضاشاه را برای حکومت ایران پیدا کرد و او را برای این کار تربیت نمود. خود در وصیتنامه‌اش، درباره مسیر آشنایی با رضاخان حدود سه سال قبل از کودتای سیاه و تالیمی که به روش حکمرانی آن اثر گذاشت را چنین شرح داده است: ملاقات‌های بعدی من با رضا خان در نقاط مختلف و پس از متجاوز از یک سال بیشتر در قزوین و تهران صورت می‌گرفت. پس از مدتی که چندان دراز نبود، حس اعتماد و دوستی دو جانبه‌ای بین ما برقرار شد... به زبانی ساده تاریخ و جغرافیا و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را برایش تشریح می‌کردم... اردشیر جی، اگرچه یک شخصیت انگلیسی نبود، اما شبکه جاسوسی انگلیس در ایران، شبکه بهائیت، کودتای ۱۲۹۹ و... را چنان دنبال کرد که درباره او گفته‌اند «او یک آسیایی استعمارزده بود که در شخصیت استعمارگر مستحیل شده بود و شاید بهتر از خود انگلیسی‌ها فرهنگ آنان را جلوه‌گر می‌ساخت.» او چهل سال در ایران فعالیت کرد و ۴ اسفند سال ۱۳۱۱ش. با مرگ طبیعی، مأموریتش خاتمه یافت.



قحطی بزرگ ایران در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ از حمله مخول در قرن سیزدهم میلادی نیز بسیارعظیم‌تر بوده است. بدلیل ممنوعیت ورود غله از قم و سلطان آباد به کاشان بسیاری از مردم این شهر از گرسنگی کشته شدند.

مرد هزار چهره

یک بولتن ساواک از فردی به نام بهرام شاهرخ اسم برده که مأموریت داشت تا در تشکیلات فداییان اسلام نفوذ کند؛ در این سند وی مأمور انگلیس معرفی شده است. ارتباط بهرام شاهرخ که به مرد هزار چهره شهرت دارد، در دهه بیست با محمدرضا پهلوی افزایش یافت و هفته‌ای دو بار به دیدن وی می‌رفت و در کابینه رزم آرا و رجیعی منصور در سال‌های ۲۹ - ۲۷ مدیر بخش تبلیغات دربار پهلوی بود. در این سند آمده است: انگلیسی‌ها که طی دو سه سال گذشته ضربات سیاسی متعددی از دولت دکتر مصدق تحمل نموده بودند، به فکر استفاده از نیرو و قدرت فداییان اسلام افتاده و لذا به یکی از مأموران خود دستور تماس با رهبر فداییان اسلام و جلب حمایت آنان را می‌دهند. این شخص بهرام شاهرخ گوینده سابق بخش فارسی رادیو آلمان هیتلری در جنگ دوم جهانی و مأمور سازمان‌های اطلاعاتی انگلستان پس از پایان جنگ... بود.

ورود نیروهای متفقین - روس و انگلیس - به ایران

در زمان آغاز جنگ جهانی اول، وضعیت داخلی ایران بسیار متزلزل بود. اوضاع آشفته و نابسامان اقتصادی و سیاسی و مداخله بدون حد و مرز قدرت‌های خارجی، ایران را تا آستانه یک دولت ورشکسته پیش برد. هشت روز پس از تاجگذاری احمدشاه قاجار، جنگ جهانی اول آغاز شد و مستوفی الممالک نخست‌وزیر ایران رسماً موضع بی‌طرفانه ایران را به دول متخاصم اعلام نمود. با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای متخاصم انگلیس و روس از نقاط مختلف وارد کشور شدند. با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، نیروهای روس از ایران خارج شدند و انگلیس برنامه‌ریزی خود برای پر کردن جای این نیروها را با بزرگنمایی خطر آلمان‌ها و عثمانی آغاز کرد و بدین ترتیب انگلیسی‌ها از سال ۱۹۱۷ ایران را تحت اشغال خود درآوردند.



آقا خان بختیار فرزند دیگر غلامحسین خان بود که وی نیز در دوره پهلوی سمت‌های متعددی را بر عهده داشت که اغلب مرتبط با منافع انگلیس بود، از جمله مدیر عاملی شرکت ملی نفت ایران، چند سال پس از کودتا. بختیار مورد حمایت انگلیسی‌ها بود و سند ساواک درباره او می‌گوید: «او در کل طرفدار غرب و بالاخص طرفدار انگلستان می‌باشد.» آقاخان که هر دو فرزندش در انگلیس درس خواندند، خود در طیف جمعیت فراماسونری وابسته به انگلستان قرار داشت و عضو لژهای مه و آفتاب و وفا بود. آقا خان بختیار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به انگلستان فرار کرد و در آنجا با کمک اعضای فراماسونر و طرفداران شاپور بختیار علیه جمهوری اسلامی و به نفع انگلستان فعالیت می‌کرد. شاید بتوان روابط او، برادرانش و پدرش با انگلیس را نمونه‌ای از آنچه به سیاست مشهور انگلستان در ارتباط گیری با نسل‌های مختلف یک خانواده است؛ دانست.



منابع:

- فصلنامه مطالعات تاریخی
- پلیس جنوب، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی تهران، ۱۳۹۴
- آه از این راه، خاطرات و مبارزات آیت‌الله شیخ محمدخالصی زاده، ترجمه و بازپژوهی علی شمس، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۷
- مجموعه مقالات همایش ایران و استعمار انگلیس، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۱
- پایگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- مجله خواندنی‌ها، شماره ۱۸ سال ۱۳۳۱
- سایت مشرق